

درس 56

* مَثَل چیست؟

- مثل داستانی است که حقایق خدا را تعلیم می دهد.

* چرا عیسی شروع به آموزش مردم با مثل ها کرد؟

- با وجود اینکه بسیاری از مردم از عیسی پیروی کردند، اما به او ایمان نداشتند.

* در مثل، بذر چیست؟

- بذر کلام خداست.

* در مثل، بذرکار کیست؟

-بذرکار کسی است که کلام خدا را تعلیم می دهد.

* کدام افراد مانند یک راه سخت هستند؟

- دل این مردم سخت است.

-کلام خدا نمی تواند در قلب آنها نفوذ کند.

- پس شیطان می آید و کلام خدا را از آنها می گیرد.

* کدام مردم مانند خاک سنگی هستند؟

- اینها می گویند به خدا ایمان دارند اما در آن هیچ اعتقادی نیست.

* کدام مردم مانند خاکی هستند که خارهای زیادی دارد؟

- مردم می گویند به خدا ایمان دارند اما خواسته هایشان از خدا برایشان مهمتر است.

* کدام مردم مانند خاک خوب هستند؟

- این افراد کلام خدا را می شنوند، آن را کاملاً باور می کنند و ثمره زیادی به بار می آورند.

- عیسی با مردم ادامه داد تا اینکه عصر فرا رسید.
- سپس عیسی و شاگردانش برای عبور از دریاچه جلیل سوار قایق شدند.

بیابید مرقس 4:35-37 را بخوانیم :

35- آن روز چون غروب فرا رسید، عیسی به شاگردان خود گفت: به آن سوی دریا برویم.

36- آنها جمعیت را ترک گفتند و عیسی را در همان قایقی که بود، با خود بردند. چند قایق دیگر نیز او را همراهی می‌کرد.

37- ناگاه تندبادی شدید برخاست. امواج چنان به قایق برمی‌خورد که نزدیک بود از آب پر شود.

* وقتی از دریاچه عبور می‌کردند، چه اتفاقی افتاد؟

- یک طوفان خشمگین آمد.

- باد به قدری شدید می‌وزید و امواج آنقدر بلند بودند که قایق در خطر غرق شدن بود.

* عیسی کجا بود؟

مرقس 4:38 را بخوانیم :

38- اما عیسی در عقب قایق، سر بر بالشی نهاده و خفته بود.

* چرا عیسی خوابیده بود؟

- زیرا عیسی تمام روز به مردم آموزش داده بود و او خسته بود.

* چرا عیسی خسته شد؟

- اگرچه عیسی کاملاً خدا بود، اما او نیز کاملاً انسان بود.

* چون قایق در خطر غرق شدن بود، شاگردان چه کردند؟

بیابید مرقس 4:38 را بخوانیم :

38- شاگردان او را بیدار کردند و گفتند: «استاد، تو را باکی نیست که

غرق شویم؟
- شاگردان عیسی را بیدار کردند.

* شاگردان به عیسی چه گفتند؟
- "برایت مهم نیست که غرق شویم؟"

* آیا عیسی اهمیتی نداد؟
- عیسی بسیار اهمیت داد.

* عیسی چه کرد؟

مرقس 4:39 را بخوانیم :

39- عیسی برخاست و باد را نهیب زد و به دریا فرمود: «ساکت شو! آرام باش!» آنگاه باد فرو نشست و آرامش کامل حکمفرما شد.

* عیسی چه کرد؟
- عیسی به باد و دریا دستور داد که ساکن باشند.

* بعد از آن چه اتفاقی افتاد؟
- باد خاموش شد و دریا کاملا آرام شد.
* عیسی چگونه توانست به باد و دریا فرمان دهد که ساکن باشند؟
- زیرا عیسی خدا بود.

* در ابتدا چه کسی باد را آفرید؟
- عیسی.

* در ابتدا چه کسی دریا را آفرید؟
- عیسی.

* چرا باد و دریا باید از عیسی اطاعت می کردند؟

- زیرا این عیسی بود که باد و دریا را آفرید.

* عیسی پس از آرام شدن باد و دریا چه گفت؟
بیابید مرقس 4:40 را بخوانیم :

40- سپس به شاگردان خود گفت: چرا اینچنین ترسانید؟ آیا هنوز ایمان ندارید؟
- عیسی از آنها پرسید که چرا ایمان ندارند.

* منظور عیسی چه بود؟
- عیسی از آنها می پرسید که چرا آنها خدا بودن او را باور نمی کنند.

* پس شاگردان چه گفتند؟
مرقس 4:41 را بخوانیم :

41- آنها بسیار هراسان شده، به یکدیگر می گفتند: این کیست که حتی باد و دریا هم از او فرمان می برند!

- اگرچه شاگردان عیسی را دیده بودند که مردم را شفا می دهد، اما هرگز عیسی را ندیده بودند که به باد دستور دهد که خاموش شود.
- اگرچه شاگردان عیسی را دیده بودند که به شیاطین دستور داد تا از میان مردم بیرون بیایند، اما هرگز ندیده بودند که عیسی به امواج دریا فرمان دهد که ساکن باشند.
- هیچ کاری نیست که عیسی نتواند انجام دهد.
- عیسی خداست.
- بعداً عیسی و شاگردانش به آن سوی دریاچه رسیدند.

مرقس 5: 1-4 را بخوانیم :

1- سپس به آن سوی دریا، به ناحیه جراسیان رفتند.
2- چون عیسی از قایق پیاده شد، مردی که گرفتار روح پلید بود، از

گورستان بیرون آمد و بدو برخورد .

3- آن مرد در گورها به سر می‌برد و دیگر کسی را توان آن نبود که او را حتی با زنجیر در بند نگاه دارد.

4- زیرا بارها او را با زنجیر و پابند آهنین بسته بودند، اما زنجیرها را گسیخته و پابندهای آهنین را شکسته بود. هیچکس را یارای رام کردن او نبود.

- آیا مرد جن زده توانسته بود خود را از قدرت همه شیاطینی که او را کنترل می‌کردند نجات دهد؟
- خیر .

- آیا دیگران توانستند این مرد را از قدرت همه شیاطینی که او را کنترل می‌کردند نجات دهند؟
- خیر .

- دیگران سعی کرده بودند با بستن به او کمک کنند.

- اما شیاطین موجود در او چنان قوی بودند که زنجیر آهنی را که مردم برای بستن او به کار می‌بردند، پاره کردند.

بیابید مرقس 5: 5 را بخوانیم :

5-شب و روز در میان گورها و بر تپه‌ها فریاد برمی‌آورد و با سنگ خود را زخمی می‌کرد.

* از کجا بفهمیم که شیاطین از ما مردم متنفرند؟

- زیرا شیاطین مرد را مجبور کرده بودند در غارهایی زندگی کند که مردم در آن دفن شده بودند.

- چون شیاطین مرد را مجبور کردند که خودش را زخمی کند .

- شیاطین مرد را برده خود کرده بودند.

- شیاطین می‌خواستند این مرد خودش را بکشد.

- چون این مرد شیاطین زیادی داشت، خیلی اذیتش می‌کردند.

- اما همه مردم مانند این مرد به دنیا می‌آیند، زیرا همه ما برده شیاطین به

دنیا آمده ایم.

* رئیس همه شیاطین کیست؟

- شیطان .
- شیطان و شیاطینش از همه ما متنفرند.
- شیطان و شیاطینش فقط می خواهند همه ما را نابود کنند.
- حتی اگر به نظر می رسد شیطان و شیاطین به ما کمک می کنند، آنها این کار را فقط برای نابودی ما انجام می دهند.
- به نظر می رسد که ارواح کنترل کننده زندگی شما ، به شما کمک می کنند.
- اما فقط برای نابودی شما این کار را می کنند.
- شیطان و شیاطینش تنها یک هدف در زندگی دارند.
- یعنی تا جایی که می توانند ما را نابود کنند.
- شیطان و شیاطین نمی خواهند شما خدا را بشناسید و از قدرت شیاطین رهایی یابید.

* وقتی این مرد عیسی را دید چه شد؟

3 بیا بید مرقس 5: 6-7 را بخوانیم :

- 6- چون عیسی را از دور دید، دوان دوان آمد و روی بر زمین نهاد .
- 7- با صدای بلند فریاد زد: ای عیسی، پسر خدای متعال، تو را با من چه کار است؟ تو را به خدا سوگند می دهم که عذابم ندهی!

* آیا شیاطین می دانستند که عیسی خدای ناجی است؟

- بله .

* شیاطین از چه می ترسیدند؟

- شیاطین می ترسیدند که عیسی آنها را به دریاچه آتش ابدی بفرستد.

* چه کسی بزرگتر از شیطان و شیاطین است؟

- خداوند.

- خداوند هر زمان که بخواهد شیطان و شیاطینش را به دریاچه آتش ابدی خواهد فرستاد.

* عیسی به شیاطین چه گفت؟
بیایید مرقس 5: 8-10 را بخوانیم :

8- زیرا عیسی به او گفته بود: «ای روح پلید، از این مرد به در آی!»
9- آنگاه عیسی از او پرسید: نامت چیست؟ پاسخ داد: نامم لِژیون است؛ زیرا بسیاریم.
10- و به عیسی التماس بسیار کرد که آنها را از آن ناحیه بیرون نکند.

* آیا شیاطین می دانستند که نمی توانند عیسی را شکست دهند؟
- بله .

- عیسی تمام قدرت را بر شیطان و شیاطین او دارد.
- در پایان، عیسی شیطان و همه شیاطینش را به دریاچه آتش ابدی خواهد فرستاد.

* چرا باید به ارواح خدمت کنیم که توسط خدا به دریاچه آتش ابدی فرستاده می شوند؟
- بندگی خدا بهتر از ارواح است.

* پس عیسی چه کرد؟
بیایید مرقس 5: 11-14 را بخوانیم :

11- در تپه‌های آن حوالی، گله بزرگی خوک در حال چرا بود.
12- ارواح پلید از عیسی خواهش کرده، گفتند: ما را به درون خوکها بفرست؛ بگذار به آنها درآییم.

13- عیسی اجازه داد. پس بیرون آمدند و به درون خوکها رفتند. گله‌ای که شمار آن حدود دو هزار خوک بود، از سرایشی تپه به درون دریا هجوم برد و در آب غرق شد.

14 - خوکبانان گریختند و این واقعه را در شهر و روستا بازگفتند، چندان که مردم بیرون آمدند تا آنچه را رخ داده بود، ببینند.

- چون شیاطین به عیسی التماس کردند، او به آنها اجازه داد وارد خوک ها شوند.

* در حالی که همه خوک ها مردند، آیا شیاطین مردند؟
- خیر .

* در حالی که همه خوک ها مردند، چرا شیاطین نمرند؟
- چون شیاطین ارواح هستند.
- زیرا شیاطین مانند انسانها و حیوانات بدن ندارند.

* چرا عیسی شیاطین را به دریاچه آتش ابدی نفرستاد؟
- چون وقت خدا برای مجازات شیاطین نرسیده بود.
- اما در پایان، عیسی شیطان و همه شیاطینش را به دریاچه آتش ابدی خواهد فرستاد.

* وقتی مردمی که در آن منطقه زندگی می کردند آمدند چه دیدند؟
مرقس 15:5 را بخوانیم :
15- آنها نزد عیسی آمدند و چون دیدند آن مرد دیورده که پیشتر گرفتار لژیون بود، اکنون جامه به تن کرده و عاقل در آنجا نشسته است، وحشت کردند.

* آیا مردی که توسط شیاطین تسخیر شده بود همچنان برده آنها بود؟
- خیر .

* چه کسی مرد را از اسارت شیاطین رها کرد؟

- عیسی.
- آن مرد دیگر غلام شیاطین نبود.
- این مرد توسط عیسی، خدای نجات دهنده آزاد شد.

* مردمی که در این منطقه زندگی می کردند چه می کردند؟

بیابید مرقس 5: 16-17 را بخوانیم :

- 16- کسانی که ماجرا را به چشم دیده بودند، آنچه را بر مرد دیورده و خوکها گذشته بود، برای مردم بازگفتند.
- 17- آنگاه مردم از عیسی خواهش کردند که سرزمین ایشان را ترک گوید.

* چرا مردم از عیسی التماس کردند که برود؟

- چون مردم احمق بودند.
- چون مردم بیشتر به فکر خوک های خود بودند تا خدا.
- عیسی، خدای نجات دهنده، آمده بود تا آنها را از شر شیطان آزاد کند و آنها فقط به فکر خوک های خود بودند.
- امروزه خیلی ها مثل آن آدم ها هستند.
- مردم بیشتر از عیسی به فکر خود فکر می کنند.
- مردم بیشتر از عیسی به دارایی های خود فکر می کنند.

* اما آیا خوک ها یا متعلقات شما ، شما را از قدرت گناه، مرگ و شیطان رها می کند؟

- خیر .

* مردی که توسط دیوها تسخیر شده بود به عیسی چه گفت؟

بیابید مرقس 5: 18-20 را بخوانیم :

18- چون عیسی سوار قایق می شد، مردی که پیشتر دیورده بود، تمنا کرد که همراه وی برود.

19- اما عیسی اجازه نداد و گفت: به خانه، نزد خویشان خود برو و به آنها بگو که خداوند برای تو چه کرده و چگونه بر تو رحم نموده است.

20- پس آن مرد رفت و در سرزمین دِکاپولیس، به اعلام هرآنچه عیسی برای او کرده بود، آغاز کرد و مردم همه در شگفت می‌شدند.

* چرا عیسی اجازه نداد آن مرد با او برود؟

- زیرا عیسی از او می‌خواست که به خانواده‌اش و دیگران بگوید که خدا برای او چه کرده است.

- وقتی خدا ما را از قدرت شیطان و شیاطینش رها می‌کند، خوب است به دیگران بگوییم که خدا نیز می‌خواهد آنها را از شر رها کند.